

امام حسین (ع)

کور باد چشمی که تو را مراقب خود ببیند و زیانبار یاد سودای بنده‌ای که از محبتت نصیبی برایش ننهاده‌ای!

الإقبال

واحه

هر چه دلم خواست نه آن می‌شود  
هر چه خدا خواست همان می‌شود  
صائب تبریزی

اوقات شرعی

اذان ظهر:۱۲:۱۰	غروب آفتاب:۲۰:۱۲
اذان مغرب:۲۰:۲۲	نیمه شب شرعی:۰۰:۲۲
اذان صبح فردا:۰۴:۲۲	طلوع خورشید فردا:۰۶:۱۰

یادداشت

حبیبی که صادق بود



پژوهشگر هنر محمد نایت

دایره که بچرخد، حساب این تسلسل هوار بودن، از دست می‌رود، تکرار می‌شود عادت و عادت آفت جان شدن، ازل در ابد می‌ماند و ابد در ازل می‌راند، زمان، تکلیف پیمانه جان آدمی است، تنها حال اندیشان مرور هم‌راه حال خویشند که هوای باغ تماشاها را گرم می‌کنند، به قول سهراب سپهری: انسان یعنی عجان‌ها! / مرگ پایان کبوتر نیست / و اگر مرگ نبود، دست ما در بی چیزی می‌گشت. مرگ دلیل عبور عادت‌هایی است که حواس حضور عشق را گاهی روی واژه‌ها، نت‌ها و رنگ‌های ریزند. حبیب‌از جنس همین‌رنگ‌ها بود، نیلوفرش تب مرداب را نمی‌شناخت، «امن یحبیب» بومش در اضطراب قلم موی خاطره‌ها، کنار تشت آبی رنگ‌ها راه می‌رفت، حوض نقاشی‌اش بوی وطن می‌داد، میان دو هجای هستی، نخم سکوت می‌کاشت، از میان وعده نجیب آبی‌های راه، خودش را به التماس باران‌های نابریده رسانده بود، برق نگاهش بوی مقاومت می‌داد، مشق ایشارش، رنگ سفر داشت، شبیه حال غلف در طعنه‌نور باغ بعد از یک زمستان، از شاخه‌های ناتوان، هویت می‌کشید، بی‌پرده می‌خواند، میانه راه قسمت عبور آب‌ها را طی کرده بود، راستی مرگ هم چیز خوبی است! اگر به اتصال آن نقطه بیش، در میانه آن ابدیت مکرر و ازلیت بی‌نام برسد، آدمی به اندازه بود، از میان قناعت قرون عاشقی ساحل‌ها، خاطره می‌ساخت، می‌گفت؛ تا پای پله هوایما بر خرید یک تابلوی وطنی آمدند، یادگاری از خانه پدری ما بود، دانشجو داشتم و ... نتوانستم آب و رنگ صداقت پاشیده بر تخیل آن روزهای هویت را، به بهانه نشانه‌های قراردادی آدم‌ها ببخشم، آدمی به اندازه بود، وضوح کبوتران را می‌شناخت!



■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسؤول: مهدی گیوه‌کی

گران‌ترین ساندویچ جهان

داستان این‌که چگونه یک مرغ با کاهو به «گران‌ترین ساندویچ تاریخ» تبدیل شد، از زمانی شروع شد که جسیکا لی، در فرودگاه سنگاپور یک ساندویچ سایو سفارش داد و نصف آن را در کیفش گذاشت تا بعدا بخورد. اما پس از رسیدن به استرالیا، فراموش کرد همراه داشتن این ساندویچ نیم‌خورده را اعلام کند و به دلیل این فراموشی ۱۸۴۴ دلار جریمه شد.



ثبت یک جانور تازه!

ناشناخته‌ها هنوز زیادند. هر قدر زمان بیشتر می‌گذرد دانشمندان و زیست‌شناسان گونه‌های جانوری بیشتری را در سراسر کره‌زمین شناسایی می‌کنند. این جانور عجیب دریایی که می‌بینید یک گونه جدید تازه کشف شده به نام «سنجاب صمغی» است که در اعماق ۵۱۰۰ متری پیدا شده‌است و به نام خیار دریایی هم شهرت دارد.



عکس روز

این اثر یکی از ماندگارترین و آشناترین آثار حبیب... صادق نقاش است، اثری با نام «مرثیه مادران» که به نوعی شمایل دوره‌ای از تاریخ انقلاب است.

حاشیه خبر

ماویک قصه تکراری

آیا معلول آزاری در جامعه ایران به یک رویه معمول تبدیل شده‌است؟

انتشار ویدئویی از بندرفتاری با معلولان در یک مرکز توانبخشی در اهواز باعث واکنش اداره کل بهزیستی استان خوزستان شده اما این اتفاق تازه‌ای نیست و حداقل در چند سال گذشته تعداد ویدئوهای منتشرشده مشابه کم نبوده‌است، حالا این سؤال پیش می‌آید که با توالی مکرر چنین اتفاقات مشابهی آیا می‌توان چنین استدلال کرد که معلول آزاری در این مراکز به یک رویه تبدیل شده‌است؟ برای رسیدن به پاسخ باید به چند نکته دقت کرد. استفاده از افراد در مراکز مراقبت‌های شبانه‌روزی نیازمند توجه به موارد مختلفی است، اول این‌که انتخاب مراقبین باید براساس گروه‌های هدفی باشد که در این مراکز نگهداری می‌شوند، به این معنا مراقبت از معتادان با مراقبت از سالمندان یا معلولان تفاوت‌هایی دارد که اساسا به این موضوع بی‌توجهی شده و این امر محدود به مراکز مرتبط با بهزیستی نیست، نکته دیگر مربوط به آموزش مراقبین است که خب، می‌دانیم یخش قابل توجهی از مراقبین یا سواد ندارند یا دارای تحصیلات پایینی هستند یا در خوشبینانه‌ترین حالت تحصیلات مرتبط با این موضوع ندارند و همین نکته کار



محمّد حسن چنگ رئیس‌الجنم مددکاری ایران

آموزش پذیری آنها را هم سخت‌تر می‌کند اما نکته دیگری هم این وضعیت را تشدید می‌نماید و آن مربوط به سختی کار این افراد است، رفتارهای رسانه‌ای شده اخیر توجه‌پذیر نیست اما باید بدانیم کاربرد این مراکز دشواری‌های خاص خود دارد، همین وضعیت در مراکز نگهداری از بیماران روانی یا متکدیان و معتادان متجاهر هم وجود دارد. این موضوع وقت بغرنج‌تر می‌شود که شرایط سخت اقتصادی را هم به این سختی کار علاوه کنیم و بدانیم هزینه‌های نگهداری از این افراد هم بالاتر رفته و این موضوع در وضعیت مراقبین بی‌تاثیر نبوده‌است. هر چند حالا می‌دانیم که این موضوع محدود به جامعه ایران نیست و از اخبار منتشرشده گاه‌به‌گاه خبرها می‌توانیم متوجه شویم از مراقبین کشورهای دیگر هم گاه چنین رفتارهایی سرمی‌زند، البته که تکرار این موضوع در بیرون از ایران نباید معنا یا ساده‌سازی و روال شدن آن در ایران باشد اما این‌که فکر کنیم این موضوع یک رویه معمول در ایران است کج‌فهمی در آسیب‌شناسی مساله است. چاره جلوگیری از این موضوع هم در شرایط کنونی افزایش نظارت بر عملکرد نهادهای دولتی و خصوصی نگهداری از این افراد است، چرا که می‌دانیم سازمان بهزیستی تنها نهاد دولتی دارنده چنین مراکزی نیست و از شهرداری گرفته تا بنیاد شهید چنین مراکزی را اداره می‌کنند که نیاز نظارت مستمر بر عملکرد آنها را می‌طلبد.

چهره‌ها

یک ذهن زیبا

منوچهر دوایی پزشک، عضو فرهنگستان علوم پزشکی ایران، از اعضای تیم پزشکی حضرت امام خمینی(ره) و فردی که شهید چمران را بدون بیهوشی عمل کرده بود، دیروز دارفانی را وداع گفت. او از اساتید دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی بود و تخصصش جراحی با گرایش جراحی اطفال، جراحی سرطان و جراحی دستگاه گوارش بود. منوچهر دوایی از سال ۱۹۹۰ عضو پیوسته فرهنگستان علوم پزشکی و همچنین مؤلف و مترجم چندین کتاب پزشکی بود. او سال ۱۳۸۵ در همایش تقدیر از پژوهشگران برگزیده نشان دانش و پژوهش گرفت و مراسم تکریم او توسط بنیاد نخبگان استان خوزستان با حضور چهره علمی و فرهنگی کشور، شاکر افان ایشان و استعدادهای برتر در سال ۱۳۹۶ برگزار شد و لوح ارج‌نامه بنیاد ملی نخبگان به ایشان اهدا شد.



عزت... فرغایم خیلی زود به این اتفاقات واکنش نشان دهد، او دیروز در حاشیه جلسه هیات دولت در این باره هم توضیحاتی ارائه کرد. او رو به خبرنگاران گفت؛ «شواری تأمین مشکین شهر آثار ارزشمند را در اختیار یکی از شعب بانک‌ها قرار داده‌است. من از این شعب بانک‌ها بازدید کردم، مخازنی که در آنجا قرار داده شده‌است چندلایه و به‌صورت امن بوده و در گاوصندوق یک جعبه پلاستیکی است که با یک ضربه‌گیری مثل پنبه چند قطعه را در آن نگهداری می‌کنند، بعضی‌ها فقط این یک عکس را گرفتند و گفتند که این کشور چقدر مشکل دارد که آثار ارزشمند داخل جانونی نمایش داده می‌شوند.» او البته که با گلابه از انتقادات گفت؛ «اصل این موضوع مربوط به قبل‌است» و البته توضیح جالب او این بود که اگر چه این جام در جانونی است اما آن جانونی در جای امنی چون مخزن یکی از شعب بانکی قرار دارد.

حکمت

نهج البلاغه حکمت ۳۲۵

■ عالم زنده‌است، گر چه مرده باشد؛ نادان مرده‌است، گر چه زنده باشد

امروز در تاریخ

■ تظاهرات و اعتصاب دانشجویان ایرانی در آمریکا در حمایت از انقلاب / ۱۳۵۹

■ سال‌مرگ سیفا... داد، تهیه‌کننده،

فیلم‌نامه‌نویس و کارگردان

سینمای ایران / ۱۳۸۸

■ زادروز حسن جوهرچی، بازیگر سینما و

تلویزیون / ۱۳۴۷

■ روز ترویج آموزش‌های فنی و حرفه‌ای

■ برگزاری پنجمین انتخابات

ریاست جمهوری / ۱۳۶۸

نکته روز

مابی تفاوت شده‌ایم

چه عواملی باعث شده تعهد اجتماعی در جامعه پایین بیاید؟

آیا ما نسبت به اتفاقات پیرامون‌مان بی‌تفاوت شده‌ایم؟ پاسخ پژوهش‌ها و مطالعات صورت‌گرفته طی دو دهه گذشته به این پرسش یک بله است. اما مولفه‌های پژوهشگران این حوزه در اثبات بی‌تفاوت‌تر شدن جامعه ایرانی چیست؟ چه شاخص‌هایی باعث شده حالا آنها هشدار بدهند موج بی‌تفاوتی جامعه ایرانی را فرا گرفته است؟ فارغ از این شاخص‌ها اتفاقات و اخبار چند سال اخیر پیرامون‌مان هم حکایت از تایید نظر جامعه‌شناسان است. بارها شده در نزاعی - که حالا خیلی هم عادی شده است - تنها نقش تماشاگر را داشته باشیم درحالی‌که شاید پیش از این به‌عنوان یک کنشگر وارد مهلکه و دلیلی بر پایان آن می‌شدیم اما آیا باز دوباره ما مقصریم؟ این‌که خسته و دلزده شده‌ایم دلیل درستی بر این بی‌تفاوتی نیست؟ این‌که سختی‌های اقتصادی باعث شده از کنار دیگر اتفاقات به آرامی بگذریم توجیه نادرستی است؟ اگر این دلایل موجهی است که پس آنچه قرار است خروجی این یادداشت باشد را همین جا اعلام می‌کنیم که مقصر این بی‌تفاوتی این بار ما شهروندان نیستیم. هر چقدر هم با خواندن آمارهای منفی و پژوهش‌ها سری به حسرت نکان بدهیم، هر چقدر هم این نتایج را با کشورهای دیگر مقایسه کنیم بازهم آنچه واضح است این‌که شهروندان حداقل در این یک زمینه مقصر نیستند!

آنچه مورد قبول جامعه‌شناسان هم هست این‌که تغییرات در کاهش بی‌تفاوتی جامعه ایرانی اتفاقی است که به‌نوعی از بالا به پایین سرایت کرده است، به این مفهوم که این تغییرات در بدنه تصمیم‌گیر و سیاست‌گذار بوده که باعث شده حالا ما به‌عنوان شهروندان این جامعه نسبت به اتفاقات و معضلات بی‌تفاوت شویم، برخی از آموزش نادرست و قوانین ناکارآمد حرف زده‌اند و برخی دیگر معتقدند این موضوع برخاسته از گذار جامعه به سمت مدرن شدن است و به تعریفی از این اتفاق گریزی نداریم اما هر چه هست فاصله گرفتن ما از مفاهیمی همچون تعهد، مسئولیت و سلامت اجتماعی و گرفتاری در بند آفتی به نام بی‌تفاوتی پیامدهای بسیار جبران‌ناپذیری را می‌تواند به همراه داشته باشد. تعریف ساده این بی‌تفاوتی از نگاه جامعه‌شناسان «حس و وضعیتی است که در آن فرد نسبت به سرنوشت دیگر افراد جامعه بی‌تفاوت می‌شود.» در وضعیت بی‌تفاوتی، فرد احساس تعلق گروهی ندارد و نفع جمعی را به نفع فردی ترجیح نمی‌دهد. در حالی‌که این فرد، خود عضوی از جمع است و نفع جمع نفع خود وی را هم شامل می‌شود. اما از کجا چنین استدلال می‌کنیم که جامعه ایرانی بی‌تفاوت‌تر از گذشته شده است؟ پژوهش‌های بسیاری در دو دهه اخیر در این زمینه صورت گرفته است. فارغ از شاخص‌های مطالعات مشاهده‌پیرامونی خود ما هم از کاهش شاخصی به نام تعهد اجتماعی حکایت دارد. اتفاقی که سال ۸۸ در میدان کاج سعادت‌آباد تهران رخ داد و با درگیری بین دو رقیب عشقی یکی از آنها از پا درآمد و حضاران با تهدید مهاجم جرات دخالت پیدا نکردند یکی از مصداق‌های تلخ و فراموش‌نشدنی این موضوع است اما سوال اساسی در این رابطه مربوط به چرا بی‌تفاوتی چنین اتفاقی در جامعه است. بسیاری معتقدند یکی از دلایل عمده این اتفاق فردگرا شدن جامعه است. آنها می‌گویند توسعه ارتباطات اجتماعی در کنار عقلانی شدن برخی از رفتارها و انتخاب افراد به فردگرایی‌تر شدن جامعه منجر شده است. البته که فردگرایی هم خود محصول مجموعه عواملی است که باید به آن دقت شود که از مهم‌ترین عوامل در شکل‌گیری فردگرایی در جامعه، اقتصاد است. هر چقدر افراد در تأمین معیشت روزانه خود با مشکلات بیشتری روبه‌رو باشند به همان میزان مشارکت‌شان در امور جمعی کمتر می‌شود و به نوعی نسبت به اتفاقاتی که ارتباط مستقیمی با آنها ندارد بی‌تفاوت می‌شوند.

۲

آتش به گذشته نابغه دیوانه

دیمین هرست، هنرمند معروف انگلیسی قرار است در ماه آینده هزاران نقاشی خود را در پروژه‌ای با تمرکز بر هنر به‌عنوان پول بسوزاند. او که سال ۲۰۲۰ یادارایی بیش از ۳۱۵ میلیون پوندی‌اش، ثروتمندترین هنرمند بریتانیا بود، آثار هنری گالری‌اش خود را نابود خواهد کرد. او سال ۲۰۱۶ میلادی هزاران نقاشی نقطه‌ای منحصربه‌فرد خلق کرد که هر کدام عنوان خاص خود را داشتند که بعدا در قالب NFT (توکن غیرقابل معاوضه) هر کدام به قیمت ۲۰۰۰ دلار فروخته شدند و به خریداران این امکان داده شد یا با NFT این آثار را به‌عنوان دارای دیجیتال حفظ کرده یا آنها را با اثر هنری فیزیکی معامله کنند و نمی‌توانند هر دوی آنها را نگه دارند. ۲۴ ساعت قبل از ضرب‌الاجل اعلام شده، ۴۱۸۰ نفر NFT خود را با یک اثر هنری فیزیکی تعویض کردند و ۵۸۲۰ نفر ترجیح دادند NFT خود را حفظ کنند. حالا دیمین هرست قصد دارد نسخه‌های فیزیکی به جا مانده را به آتش بکشد. این هنرمند سال گذشته در یک مصاحبه ویدئویی در یوتیوب به مارک کارنی، رئیس سابق بانک مرکزی انگلستان گفت ک پروژه‌اش با عنوان «پول» یک چیدمان اما در سطح جهانی است و ... مشارکت همه بخشی از پروژه است. NFT یا دارایی‌های دیجیتال در چند سال گذشته در بازار هنر جهانی، رشدی چشمگیر داشته‌اند، طوری که جراحی‌های بزرگ آثار هنری مبالغ نجومی را برای آثار برتر دیجیتال تضمین می‌کنند. مارس ۲۰۲۱، خانه حراج کریستیز اثری را با عنوان «هرروز» ۵۰۰۰ روز اول» اثر هنرمند دیجیتال به نام «بیبیل» را با رکورد ۶۹ میلیون دلار فروخت. دیمین هرست، هنرمند نقاش و مجسمه‌ساز انگلیسی با آثار عجیب و غریبش در دنیای هنر شناخته می‌شود. یکی از معروف‌ترین و جنجالی‌ترین آثار هنری او، حیوان‌های مرده‌ای است که در آکواریوم و در مایع فرمالدئید قرار گرفته‌اند. آثاری که با معلق کردن جسم‌های مرده در فضای آکواریوم مرگ و زندگی و در نهایت ماهیت وجودی انسان را به چالش می‌کشند. «هرست» که اکنون ۵۷ ساله است یکی از هنرمندان جوانی بود که در دهه ۱۹۹۰ میلادی همراه چند نفر دیگر بازار هنری بریتانیا را در اختیار گرفت. گفته می‌شود این هنرمند ثروتمند مجموعه‌ای شخصی از ۲۰۰۰ اثر هنری ارزشمند شامل آثار پابلو پیکاسو و فرانسیس بیکن را دارد.



+

عدالت؛ چه باید کرد؟

دنیا پیچیده است. نمی‌دانیم چه باید کرد، نمی‌دانیم چه چیزی اخلاقی است یا اشتباه است و به‌عنوان یک انسان، از ابتدای تاریخ به دنبال جواب سوال‌هایی از این دست بوده‌ایم. کمتر کسی به ما آموزش داده‌چطور فکر کنیم، عدالت، قدمی در این راستا برداشته است. مایکل سندل در این کتاب تلاش می‌کند ما را با عینک‌های متفاوتی آشنا کند که به‌وسیله آنها می‌توان به زندگی و اخلاق و عدالت نگریست. او این کار را با شرح تاریخ فلسفه پیرامون مسأله عدالت انجام نمی‌دهد، بلکه تا یک خود را روی سه ایده بزرگ قرار می‌دهد: فایده‌گرایی، آزادی‌گرایی و درنهایت فضیلت‌گرایی، او برای شرح این سه ایده، از تاریخ و مثال‌های فراوان کمک می‌گیرد و خواننده را با پرسش‌های فراوان روبه‌رو می‌کند. اجازه می‌دهد با مسائل سرو و کله بزنیم و درنهایت روش‌های فکر کردن به این پرسش‌ها را رویه‌رویمان قرار می‌دهد. برای درک بهتر موقعیت‌های اجتماعی و سیاسی، بهتر است ابتدا از شر عوامل مزاحم خلاص شویم. سندل در این کتاب با ارائه مثال‌هایی از زندگی واقعی، بحث‌های حقوقی و سیاسی معاصر را مطرح می‌کند که به پرسش‌هایی فلسفی می‌انجامد: آیا مالیات گرفتن عادلانه است؟ خدمت سربازی باید اجباری باشد یا داوطلبانه و آیا خرید آن عادلانه‌است؟ آیا درست است باورهای اخلاقی خود را در گفتمان عمومی درباره عدالت دخالت دهیم؟

